■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۶۸۶ ■ سه‌شنبه ■ ۵ مرداد ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۱ | اذان مغرب ۲۰/۳۴ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | اذان صبح فردا ۴/۳۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۸

سخن روز

امام کاظم علیه‌السلام:
هرکس خشم خود را از مردم باز دارد، خداوند عذاب خود را در روز قیامت از او باز می‌دارد.
[**الکافی، ج.۲، ص.۳۰۵.**]

رضا فیاضی: باید به حوزه کودک توجه کنیم

نمی‌دانم چرا دیگر برنامه‌هایی مانند «کلاه قرمزی»، «داستان‌های زی زی گولو» یا «مدرسه موش‌ها» ساخته نمی‌شود. آن زمان تلویزیون تنها دو یا سه شبکه داشت و برای سرگرم کردن مخاطب، برنامه‌های آموزشی روی آنتن می‌رفت. برنامه‌هایی که به کودکان و آموزش آنها بسیار اهمیت می‌داد. اما اکنون با این تعداد از شبکه، تنها آورده تلویزیون، تعدادی خاله و عمو در تلویزیون است. به اعتقاد من برنامه باید یک رویکرد و هدفی داشته باشد، مخصوصاً برای کودکان امروزی که با یک کلیک، به برنامه‌های سراسر دنیا دسترسی پیدا می‌کنند. شما فکر می‌کنید اگر برنامه جذابی ساخته شود کودکان به سمت شبکه‌های ماهواره‌ای و کارتون‌های خارجی می‌روند؟ قطعاً چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. ما باید به حوزه کودک توجه کنیم و برای آن کار بسازیم. البته گاهی کارهای خوبی هم ساخته می‌شود که به آن توجه نمی‌شود.

بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر با خبرآنلاین

من بی تو دمی قرار نتوانم کرد
احسان ترا شمار نتوانم کرد
گر بر تن من زفان شود هر مویی
یک شکر تو از هزار نتوانم کرد

رباعیات
ابوسعید ابوالخیر

نـــگاره
کیان رادپویان

نگرش اشتباه

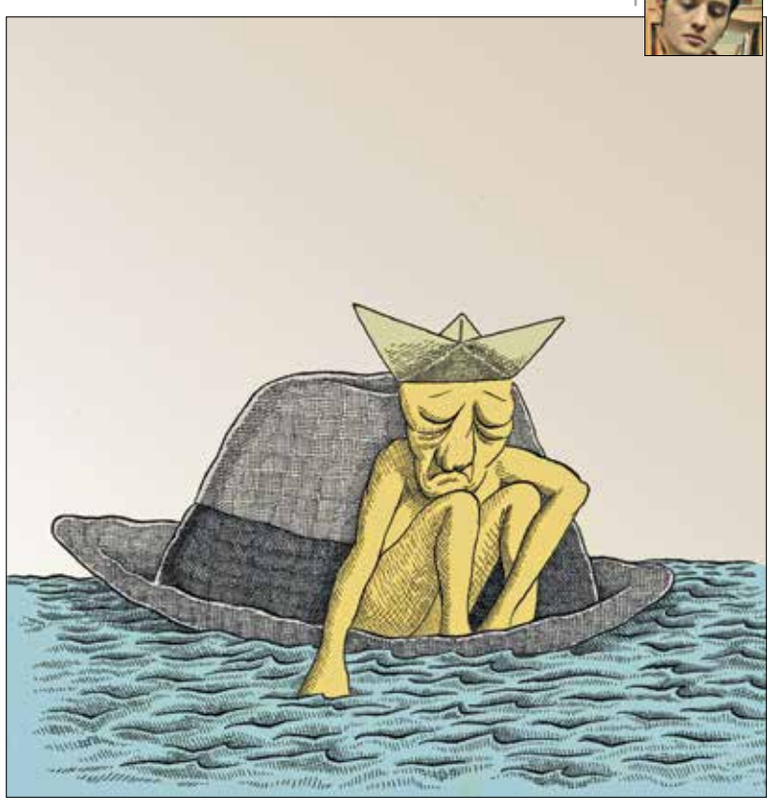

هنرمندان در فضای مجازی

روزهای تابستان هنرمندان همچنان از خوزستان می‌گویند و سعی در اطلاع‌رسانی شرایط محیط زیست ایران دارند. حال این بار همدردی در قالب ساخت موسیقی و فیلم خود را نشان داده است.

■ **خاطره هنرمند**

روح‌الله حجازی نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده سینما عکسی از خودش منتشر کرده است. او درباره این عکس که در پشت صحنه سریال شبکه نمایش خانگی «نوبت لیلی» گرفته شده، نوشته است: «روزی روزگاری با همین دوربین و مدل‌های مشابه اش فیلم‌های کوتاه می‌ساختم. حالا از آن روزها، حدود ۲۵ سال گذشته و این دوربین در قاب دوربین دیگری که بهترین دوربین موجود در جهان از نوع خودش است، ثبت می‌شود و من همچنان دلم برای قاب‌های گذشته تنگ می‌شود.»

■ **چهره‌ها**

گوهر خیراندیش با انتشار فیلم «رؤیای سرزمین آب و آتش» به کارگردانی علی لایق زاد و با صدای بهروز رضوی از این نگرانی سخن گفته است: «ببینید خوزستان زیبا، زنده و کارون پرآب چگونه بوده است و امروز چگونه است.»

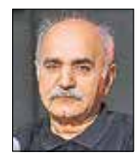

پرویز پرستویی یکی از فعال‌ترین بازیگران در فضای مجازی است که اغلب هم پست‌های او نشانه از مسئولیت شهروندی او دارد. او این بار طی سفری به زاهدان از هنر سوزن‌دوزی سیستان و بلوچستان تعریف می‌کند و خواستار حمایت مردم از این هنر می‌شود: «جمعی از مادران دانش‌آموزانی که در مدارس استیجاری زاهدان در محلات محروم این شهر، در شیرآباد، کریم آباد، همت آباد، محله جم و... زندگی می‌کنند، با دریافت تجهیزات مواد اولیه به سوزن دوزی پارچه‌ها می‌پردازند و هر نوبت حق الزحمه‌شان را دریافت می‌کنند، حق‌الزحمه‌ای که می‌تواند کمک خرج‌شان باشد. این رویکرد اشتغالزایی برای بانوان در سایر مناطق تحت پوشش مؤسسه هم با کمک خیرین دنبال می‌شود.»

احسان کرمی هم در صفحه خود با انتشار عکسی از محمد رحمانیان کارگردان تئاتر به همراه الهام پاوه‌نژاد و خودش خبر داده که نمایش «لاموزیکا» را محمد رحمانیان افتتاح می‌کند. دراماتورژ و کارگردان این نمایش الهام پاوه‌نژاد است که براساس داستانی از مارگریت دوراس با ترجمه هوشنگ حسامی روی صحنه می‌رود. صدای همراه هم برعهده رویا میرعلمی است. این نمایش با مخاطبان محدود در ساعت ۲۰ در کافه گالری باروک روی صحنه می‌رود.

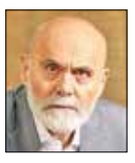

جمشید هاشم‌پور هم با وجود زدن واکسن کرونا گرفت، اما حال عمومی او خوب است. این خبر را محمد طباطبایی، فعال فرهنگی در صفحه شخصی خود نوشته است: «حال عمومی جمشید خان هاشم‌پور خوبِ خوب است، تست کرونای او اگرچه بعد از تزریق دو دوز واکسن مثبت شد و همچنان بعد از ۱۰ روز مثبت است اما حال او خوب است، این‌ها را پشت تلفن می‌گوید در حالی که بلند بلند می‌خندد؛ می‌گوید انگار همه مثبت شده‌ایم. می‌گویم خدا رو شکر که حال شما خوب است، خبر که رسید کرونا گرفته‌اید نگران شدیم. می‌گوید همه باید مثبت شویم، انگار راه فراری نیست و لبخند می‌زند، لبخندی که از پشت تلفن پیداست.»

■ **تازه‌های نشر**

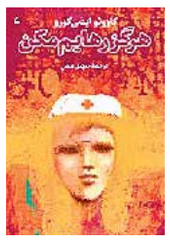

نشر ققنوس این بار به معرفی یک نویسنده پرداخته است. او مطلب خود را با یک سؤال آغاز کرده است: «کدام یک از آثار ایشی گورو را مطالعه کرده‌اید و پیشنهاد می‌کنید؟» این نشر در ادامه مطلب خود به معرفی این نویسنده ژاپنی و مهاجرت او به همراه خانواده‌اش به انگلستان پرداخته و در ادامه نوشته است: «در سال ۱۹۸۶ برای کتاب «هنرمندی از جهان شناور» برنده جایزه وایت‌برد و در سال ۱۹۸۹ برای کتاب «بازمانده روز» برنده جایزه بوکر شد. از بین آثار او کتاب‌های «وقتی یتیم بودیم» و «هرگز رهایم مکن» نیز به فهرست نهایی جایزه بوکر راه یافتند. در سال ۲۰۰۸، مجله تایمز او را در رده ۳۲ در بین ۵۰ نویسنده برتر انگلیسی از سال ۱۹۴۵ قرار داده‌است. ایشی‌گورو در سال ۲۰۱۷ برنده جایزه نوبل ادبیات شد.» در انتهای این مطلب هم آمده است که سه اثر با عنوان‌های «هرگز رهایم مکن»، «غول مدفون» و «تسلی ناپذیر» با ترجمه سهمیل سمی از انتشارات ققنوس منتشر شده است.

رؤیای موتزارت وعاشقانه‌های سوینا

یادداشت

رضا یزدانی
خواننده موسیقی پاپ

من بر این باورم هر مساعدت و حمایتی که در راستای کمک به مردم عزیزکشورمان باشد ارزشمند و ماندگار خواهد بود بویژه آنکه از طریق هنر این امکان میسرشود. به‌عنوان مثال اقدام مثبتی که خانم گلاره عباسی برای نابینایان عزیزانجام داده است، برنامه‌ای تحت عنوان «سوینا» که به‌منظور ارائه محصولات فرهنگی و هنری و همچنین حمایت از توانمندی‌های نابینایان کشور در زمینه‌های فرهنگی و هنری شکل گرفته و من نیز توانستم قدم کوچکی در این کار بزرگ بردارم و به پیشنهاد خانم عباسی فیلم سینمایی «آمادئوس» ساخته میلوش فورمن با صدا و توضیحات بنده عصر پنجشنبه هفته گذشته (۳۱ تیرماه) از رادیو سوینا در دسترس مخاطبان قرار گرفت.اجرای این کار برای من بسیار جذاب و اتفاق بسیارخوبی بود بویژه آنکه بخش انتخاب شده توضیحاتی درباره موسیقی و موسیقیدان بزرگی چون موتزارت بود، آهنگساز بزرگی که از جوانی آثارش را دنبال می‌کردم و بسیار دوست می‌دارم و یکی از موزیسین‌های مورد علاقه من است. در واقع این علاقه به دوران دبیرستان برمی‌گردد، برخی شب‌ها که بی‌خواب می‌شدم یک نوارکاست در واکمن می‌گذاشتم و هدفون به گوش، دل به آثار موتزارت می‌سپردم تا آرام آرام خواب بر من چیره می‌گشت؛ آن روزها را خوب به یاد می‌آورم... البته بیشترین کاری که آن دوران گوش می‌دادم قطعه «رکوئیم» موتزارت بود. رکوئیم یا موسیقی مردگان قطعه آوازی در سوگ مردگان است و یکی از شاهکارهای موسیقی آوازی دنیا و اثر این آهنگساز است.

در آن سال‌ها بیش از نصف «رکوئیم» را شنیده بودم تا زمانی که سی‌دی پلیر به بازار آمد و توانستم کار را به‌طور کامل گوش کنم و این عادت همچنان در من وجود دارد و هر گاه بی‌خوابی به سراغم می‌آید این کارها را گوش می‌دهم منتها از طریق گوشی موبایل و هر بار تکرار و تکرار و لذت بردن از زیبایی این اثر...بارها گفته‌ام و بار دیگر می‌گویم جادوی موتزارت همیشه با من بوده و هست حتی بیش از دیگر آثار کلاسیک دنیا و حالا که راوی فیلمی هستم که روایتگر بخش کوتاهی از زندگی آهنگساز مورد علاقه من است بسیار خوشحالم و همان‌طور که اشاره کردم توضیح این کارها برای من بسیار جذاب بود آنقدر که اگر بار دیگر چنین پیشنهادی از سوی خانم گلاره عباسی برای برنامه سوینا در خصوص نابینایان عزیز مطرح شود با کمال افتخار قبول خواهم کرد و بسیار خوشحالم در مدت زمانی که این برنامه راه‌اندازی شده استقبال بسیار خوبی صورت گرفته است و از دوستانی که در ساخت این برنامه زحمت کشیده‌اند سپاسگزارم.

چند نکته درباره شرایط استاندارد تصویربرداری از یک اثر نمایشی

راهی برای مانایی تئاتر

یادداشت

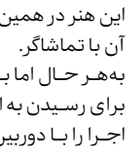

زمان وفاجویی
نویسنده و کارگردان تئاتر

بی‌شک یکی از دغدغه‌های خالقان هنر نمایش منهای تأثیرگذاری بر مخاطب، مانا کردن اثرشان برای ثبت در تاریخ بوده است.

در این مسیر ابتدا اعلان و بروشور و بعدها عکس تنها یادبود و نسخه فیزیکی یک اثر به حساب می‌آمدند تا اینکه دوربین‌های تصویربرداری مقداری این دغدغه را برطرف کردند اما همچنان چگونگی انتقال حداکثری حس و اتفاقات محل سؤال است.

تلاش برای پاسخ به این سؤال به دو شکل نمود پیدا کرده و دو طیف فکری را رقم زده است. دسته نخست معتقدند برای فیلمبرداری از یک اجرای نمایشی، دوربین‌ها باید مانند تماشاگر ثابت در مکان‌های مختلف (وسط، کناره‌ها، بالکن و...) جاگذاری شوند و بدون قطع از ابتدا تا انتهای نمایش را ضبط کنند و در تدوین هم تنها زاویه‌های متفاوت دوربین‌ها به فراخور اتفاق کنار هم قرار گیرند.

دسته دوم معتقدند مانند یک اثر سینمایی ما می‌توانیم دکوپاژ داشته باشیم و در راستای حس و اتفاقات در یک اجرای بدون تماشاگر پلان‌ها را خرد و اجرا را بر این اساس ضبط کنیم. در پی این دو نظریه و پس از سال‌ها حضور در تئاتر و همچنین رصد بازخوردهای هر دو گونه، معتقدم که نظریه اول باعث شکل‌گیری بازتولید نزدیک‌ترین حس خواهد بود؛ البته که هیچ کدام از این دو روش جایگزین نشستن در سالن و دیدن اجرای زنده نمایش نیست و اعجاز این هنر در همین زنده بودن است و مواجهه مستقیم آن با تماشاگر.

به‌هر حال اما با تأکید روی شیوه نخست می‌توان برای رسیدن به ایده‌آل‌ترین شکل هدف، ۳ نوبت از اجرا را با دوربین‌های حرفه‌ای ضبط کرد، آن‌هم با دوربین‌هایی که قادر باشند در وضعیت‌های نوری متفاوت در صحنه با وضوح بالا، تصاویر را ضبط کنند زیرا نور صحنه‌ها از قبل، طراحی و اجرا می‌شوند. دوربین‌ها باید براساس جایگاه تماشاگران در پنج نقطه یا بیشتر قرار گیرند تا تمام نقطه دیدهای سالن را پوشش دهند.

در برخی موارد می‌توان خارج از این نقاط و بدون مزاحمت برای تماشاگران و تیم در حال اجرا نیز دوربین‌هایی را جاگذاری کنیم. این دوربین‌ها همزمان با هم از آغاز تا پایان نمایش را ضبط می‌کنند و بهتر است علاوه بر صدای شاهد، حتماً صدا با میکروفون‌های یقه‌ای و ثابت نیز در خطی جدا ضبط شوند.

در این شیوه، وظیفه تدوینگر تنها متناسب کردن اتفاقات با زاویه دوربین مناسب‌تر است. امروزه و با امکانات موجود، اگر راش‌های خام دارای کیفیت استاندارد باشند، می‌توان پس از کامل شدن تدوین از تکنیک کالرکارکت یا اصلاح رنگ و نور برای نزدیک کردن تصویر به رنگ و نور واقعی اجرا بهره برد.

در ضمن فیلم‌تئاتر این فرصت را فراهم می‌کند تا بتوان فیلم‌هایی از تمرین و پشت صحنه اجرا، اسکیس‌های صحنه و لباس، گریم و عکس‌های تمرین و اجرا (می‌تواند مستندی باشد از روند تولید صفر تا صد اثر) را ضمیمه فیلم اصلی کرد و همانند بروشور، اسامی عوامل نمایش هم در تیتراژ پایانی قرار گیرند. گرچه می‌دانم همه این اقدامات نمی‌تواند کارکرد هنر نمایش را داشته باشد اما حداقل کاری است که می‌تواند اثر را به نوعی برای ثبت در تاریخ مانا کند.

چرا دیوار می‌سازیم؟

پیشنهاد

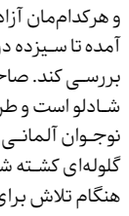

مجید سالاری‌نسب
نویسنده

مجله «سیزده» نشریه‌ای ادبی - فرهنگی است که هم نوجوانان آن را تولید می‌کنند و هم مخاطب آن هستند. سیزده هر شماره به موضوعاتی می‌پردازد و آنها را به پرونده اصلی خود تبدیل می‌کند که به نوعی با دغدغه‌های این نسل همخوانی دارد و سعی دارد به زبان خود نوجوانان به سؤالات آنها پاسخ دهد و افق‌هایی پیش روی‌شان بگذارد و تجربه‌ای به تجربه‌های آنها اضافه کند. مثلاً این شماره، «سیزده» بیشتر به موضوعاتی مثل دیوار و مرز پرداخته و تیتر روی جلد مجله را هم این‌طور انتخاب و ثبت کرده است: «چرا دیوار می‌سازیم؟»

البته جز این پرونده در این شماره مثل دو شماره قبل می‌توانیم داستان‌ها و شعرهایی نوجوانانه بخوانیم و با کتاب‌های تازه‌ای که معرفی شده آشنا شویم. سیزده فقط یک مجله برای نوجوانان نیست؛ بیشتر شبیه یک آکادمی است که در آن ایده، طرح، پروپوزال ارائه می‌شود و درباره‌اش در تحریریه به بحث و گفت‌وگو می‌نشینند و مثل این شماره، موضوع پرونده از آن بیرون می‌آورند و این شماره هم به همین شیوه وسبک و سیاق پیش رفته است. آن‌طور که سردبیر این مجله نوشته عنوان شماره سوم مجله سیزده به پیشنهاد دیبا حکیم‌الهی، یکی از اعضای تحریریه، انتخاب شده است. او در پروپوزالی که برای این عنوان ارائه کرده بود، آورده که این اثر موسیقایی در یک نمایش به نام شهر هادس ، اثر آنیاس میچل، استفاده شده است. در این اثر، هادس، پادشاه جهان زیرین، در گفت‌وگویی با ارواح مرده کارگران جهانش، شعر را روایت می‌کند. قصد هادس از این پرسش و پاسخ، آن است که کارگران را به ساخت دیوار بزرگی در پیرامون‌شان راضی کند. با این استدلال که این دیوار شما را از دشمنان و فقر محافظت می‌کند... و در ادامه این سؤالات را مطرح و به آنها پاسخ داده‌اند که «آیا کارکرد دیوار محافظت است؟ یا ترس دلیل ساخت آن است؟ ما انسان‌ها در جای‌جای زندگی با ترس دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. فقر برای هرکدام از ما تعریف جداگانه‌ای دارد و هرکدام‌مان آزادی را با ذهنیت متفاوتی می‌بینیم.» همه این‌ها کنار هم آمده تا سیزده در این شماره ترس‌ها و عوامل بازدارنده رشد و آزادی را بررسی کند. صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر مجله «سیزده» زکیه شادلو است و طرح جلد این شماره «سیزده» هم تصویری از پیتر فچتر، نوجوان آلمانی ۱۸ ساله ای که در راه رسیدن به آلمان غربی با ضرب گلوله‌ای کشته شد. او بیست و هفتمین شخص شناخته شده‌ای است که هنگام تلاش برای عبور از دیوار برلین درگذشت.

سینما فراموش‌شدنی نیست

یادداشت

علی سرتیپی
سینمادار و تهیه‌کننده

همیشه گفته‌ایم که سینما از امن‌ترین مراکز است؛ فاصله‌گذاری اجتماعی به صورت اتوماتیک‌وار در زمان خرید بلیت لحاظ می‌شود، سقف بلندی دارد، تهویه هوا به درستی انجام می‌شود و بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی نظارت جدی وجود دارد. وضعیت سالن‌های سینما متفاوت از مترو و اتوبوس و مراکز خرید و رستوران‌هاست. مکانی امن برای مخاطب است. علاوه بر همه این تأکیدها و ایجاد اطمینان و اعتماد اما باید کاری می‌کردیم تا مخاطب انگیزه‌ای برای آمدن به سینما داشته باشد. در همین دوران رکود گیشه و بحران اکران، بارها تأکید داشتیم فیلمی تحول‌ساز است که بتواند با مردم ارتباط برقرار کنند. فضای یأس و سرخوردگی به‌خاطر مسائل اجتماعی و اقتصادی نشأت گرفته از شیوع کرونا و برجام، اقتضا می‌کرد فیلمی کمدی و با فضای طنز اکران شود. مخاطب خسته از خانه‌نشینی، برای فیلمی به سینما می‌آمد که در پناه آن ساعات خوشی را تجربه کند. «دینامیت» جزو همین فیلم‌ها بود؛ فیلمی که تمام خصوصیات جذب مخاطب را دارد. اکران این فیلم توجه مخاطب را به سالن‌های سینما جلب کرد. انگار مخاطب تازه فهمیده که سینماها باز است. اساساً بزرگترین مشکل ما در ایام کرونا همین است که به خاطر باز و بسته شدن مداوم سالن‌های سینما مردم نسبت به فعالیت آن بی‌خبر بودند. «دینامیت» با توجه به فضای قصه و ترکیب بازیگران نگاه مردم را به سینما جلب کرد. این فیلم تا امروز حدود ۶ میلیارد تومان فروش داشته و رکورد فروش در دوران کرونا را از آن خود کرده است. به این میزان فروش باید حمایت دو و نیم میلیاردی سازمان سینمایی را هم اضافه کرد. مساعدت سازمان سینمایی آن هم در آخرین روزهای فعالیت تیم مدیریتی و تعهد برای حمایت از فیلم‌های متقاضی اکران دلگرم‌کننده است. این نوع حمایت‌ها با توجه به فروش خوب «دینامیت»، صاحبان دیگر آثار را برای اکران ترغیب خواهد کرد. اگر چه در شرایط عادی مسلماً «دینامیت» خیلی بیش از اینها فروش داشت. صاحبان فیلم «دینامیت» با پذیرش ریسک اکران به کمک سینمای ایران آمدند و باید از آنها حمایت می‌شد. در هفته گذشته سه فیلم تازه -مدیترانه، سیاه باز و قصه عشق پدرم - به چرخه اکران اضافه شدند که قطعاً در حد و اندازه فیلم «دینامیت» نیستند و نمی‌توان از آنها فروشی مشابه را انتظار داشت. امیدواریم نمایش این فیلم‌ها به تنوع اکران کمک کند. در کنار اکران فیلم‌های تازه نفس، نمایش فیلم‌های اکران نوروز و حتی فیلم‌هایی که تابستان سال گذشته اکران شدند و برخی به شبکه نمایش خانگی آمدند از جمله «شنای پروانه» محمد کارت ادامه دارد. این فیلم‌ها هنوز مشتری خاص خودشان را دارند و برخی دوست دارند این دست آثار را در سینما ببینند. با توجه به محدودیت تعداد فیلم‌های روی پرده اکران، نمایش این فیلم‌ها در پردیس‌های سینمایی که بیش از ۱۰ سالن دارند ادامه خواهد یافت. همراه با سرعت گرفتن واکسیناسیون، اکران چند فیلم پرمخاطب و البته تبلیغ فعالیت سالن سینما، سینمای ایران می‌تواند روی پا بایستد. قطعاً تمرکز و تأکید ما صرفاً روی فیلم‌های کمدی نیست. سینمای ایران فیلم‌های خوب اجتماعی همچون «درخت گردو» محمدحسین مهدویان و «روز صفر» سعید ملکان را در صف اکران دارد. امیدواریم بعد از دهه محرم بتوانیم این فیلم‌ها را که هم با فضا مناسبت دارد و هم با مردم ارتباط برقرار می‌کنند اکران کنیم. در ادامه اکران «قهرمان» اصغر فرهادی در پاییز قطعاً موجی تازه در گیشه سینما ایجاد خواهد کرد. این مرحله بحران را که پشت‌سر بگذاریم اطمینان دارم مردم به سینماها باز خواهند گشت و فیلم دیدن در سالن سینما را فراموش نخواهند کرد.

عکس نوشت

درجشنواره عکس دانوب که با همکاری چهار کشور بلاروس، بلغارستان، صربستان و روسیه زیر نظر فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) برگزار می‌شود، عکس «مردی با ریش سفید» از مهدی کاظمی بومه مدال نقره جشنواره را در سالن روسیه و عکس «قله نور» و «فصل شکوفایی» از مهدی پارسائیان به ترتیب در سالن‌های روسیه و صربستان تقدیر جشنواره را کسب کردند. /ایسنا